

بررسی وضعیت استقراض خارجی ایران در دوره مظفردالدین شاه

چکیده

مطالعات صورت گرفته در زمینه وضعیت اقتصادی ایران در عصر ناصرالدین شاه نشان می‌دهد که شاه و دولتمردان این عهد نتوانستند با اتخاذ راهکارهای علمی، عملی کشور را از بحران مالی و کسری بودجه برهانند.

لاجرم برای تأمین پول مورد نیاز به استقراض خارجی روی آوردند با ترور ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفردالدین شاه، این میراث شوم گریبانگیر این شاه پیر نیز گردید. ناتوانی در افزایش درآمد از طریق مدیریت صحیح و زود بازده منابع مالی و عدم اجازه به رجال صاحب دانش و روش برای اصلاحات مالی، شرایط را برای ورود به جاده استقراض خارجی فزونی بخشید. راهی که ناصرالدین شاه گشود توسط این شاه پیر گسترش یافت. زیرا شرایط سیاسی- اجتماعی و اقتصادی ایران در عصر مظفردالدین شاه بحرانی‌تر از ماقبل است. بررسی و تحلیل استقراض خارجی ایران در این عهد و تأثیر آن بر کشور مسئله اصلی این تحقیق است. پژوهش صورت گرفته نشان می‌دهد که مظفردالدین شاه و دولتمردان به مراتب ضعیف‌تر از گذشته عمل نموده و در چنگ و کشا و قوس انگلیس و اعتراضات مردمی و انتقاد اصحاب قلم و دانش و سیاست و خردورزی گرفتار شده و با اخذ وام‌های متعدد از روس و انگلیس و هزینه آن در محل‌های غیر ضرور یک کشور مفلس و فرومانده را تحویل نوگرایان مشروطه خواه دادند.

کلید واژه‌ها: استقراض خارجی، مظفردالدین شاه، دوره قاجاریه- انگلیس و روسیه.

مقدمه

رقابت استعماری و سلطه طلبانه دولت‌های قوی اروپایی در شرق خصوصاً خاورمیانه ایران را در گرداب این رقابت‌ها وارد ساخت. وقوع جنگ‌های اول و دوم ایران و روس نتیجه رقابت‌های انگلیس و روسیه و تفکر عشیره‌ای قاجاریه بوده است. هزینه‌های جانی و مالی و آثار زیانبار این جنگ‌ها ایران را در عمق مشکلات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی فرو برد. گرچه دستگاه سلطنت، ارتشیان و رجال صاحب مسئول نیاتی دایر بر فروختن مملکت و یا از دست دادن آن نداشته و قضاوت در این باره آسان نیست. اما نگرش و روش‌های آنان منجر به از دست رفتن اراضی وسیع و زرخیز در شرق و غرب کشور گردید و سایه شوم سلطه روس و انگلیس و فرانسه و آلمان سپس آمریکا بر ایران افکنده شد.

بازسازی کشور، عبور از گرداب رقابت‌های روس و انگلیس و تدوین برنامه عمران و آبادانی نیازمند به پول هنگفت بود. سیاست‌های مالی دستگاه سلطنت و هزینه سرسام آور این دستگاه و نیز ناکارآمدی نظام مستوفیگری، هر روز وخامت مالی کشور را بیشتر نشان می‌داد. سوء استفاده حکام ایالات و ولایات و زورگیری از مردم و عدم ارسال منظم مالیات به خزانه مرکزی قدرت تصمیم‌گیری را از دولتمردان سلب می‌کرد. رجال روشنفکر و صاحب دانش و روش در اصلاح امور مالی و اقتصادی در نتیجه تفکر عشیره‌ای قاجاری زود هنگام از کرسی خدمت کنار گذاشته شده و یا از بین رفتند و لذا مسیر غلطیدن در ورطه رقابت‌های استعماری روس و انگلیس هموار گردید و تنها راه امیدبخش برای شاه و دربار و حتی بعضی از دولتمردان منفعت‌گرا - همسویی با این دو کشور سلطه طلب بوده است. تسخیر منابع ملی بعنوان وثیقه و تضمین درازای پرداخت وام - راهبرد اساسی برای تأمین پول مورد نیاز بوده است. این راهبرد از زمان ناصرالدین شاه آغاز گردید و در عصر مظفرالدین شاه بر شدت آن افزوده شد. علی‌رغم تجارب حکومتی - و آشنایی با سیاست‌های استعماری روس و انگلیس و دریافت آگاهی و اطلاعات از پیشرفت‌های روزافزون غرب - اما دولتمردان و شاه و دربار طبق تفکر ایلی به حاکمیت اندیشیده و نه به نجات کشور از گرداب کشنده. بنابراین در عصر مظفرالدین شاه چندین فقره وام بسیار سنگین و ویرانگر از دولتمردان روس و انگلیس اخذ گردید. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بخش اعظم این وام‌ها صرف هزینه شخص

شاه و دربار به دلیل مداوا و سفرهای اروپایی گردید. مردم در وضعیت نامناسب اقتصادی بسر می‌بردند و چشم امید به دولتمردان داشتند اما از ثمرات این وام‌ها بهره‌ای نبردند و بار سنگین پرداخت اصل و فرع این وام‌ها با افزایش مالیات و دریافت زود هنگام نیز بر دوش مردم رنج دیده و زجر کشیده ایران قرار گرفت. در این مقاله بر اساس منابع اصلی و تحقیقات صورت گرفته تلاش می‌شود که دورنمایی از عملکرد اقتصادی و مالی شاه پیر و دولتمردانش طرح گردد و پیامد استقراض خارجی در حد توان مورد بررسی قرار گیرد.

تحلیلی بر اوضاع مالی

قرضه‌های میراثی از عصر ناصرالدین شاه دال بر این است که وضع مالی آشفته است. و مظفردالدین شاه که خود از تبریز به مدد پول استقراضی به تهران آمده و کلی در آنجا قرض گذاشت زمام کشور مقروض را بدست گرفت وقتی که شاه در پایتخت با پول خارجی امرار معاش می‌کند. وضع ولیعهد در دارالولایه معلوم است. از اواخر دولت ناصری خزانه دولت تهی بود. ایصال و ارسال مالیات به مرکز بطور مرتب و منظم صورت نمی‌گرفت. آنچه در ولایات جمع می‌شد. در همان محل خرج می‌گردید و مازاد آن در وضعیت غیر ثبات به جیب عده‌ای زیاد از مستوفی و لشکر ... و حکام می‌رفت. عبدالله بهرامی می‌گوید:^۱

«از خالصجات و مالیات دهات مبلغ قابل توجهی به صندوق نمی‌رسید. دولت از عدم وجود نقدینه در خزانه رنج می‌برد.»

دولتمردان ناصری در اواخر به علت عدیده در انتظام امور سستی به خرج می‌دادند. امین السلطان که با کوهی از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کرد هیچ کاری در زمینه بحران مالی انجام نداد. ارباب حقوق اعم از نظامی و مواجب بگیر و غیره مدتی حقوق دریافت نکردند. ولیعهد برای حرکت به تهران دیناری ندارد و برای آمدن به تهران و جلوس بر سریر شاهی نیازمند پول است. امین الدوله می‌نویسد:^۲

«در بانک دیگر اعتبار نداریم چرا که معاملات سابقه محمل مانده و به وعده وفا نکرده و شرط عمل بجا نیاورده ایم وزیر مختار انگلیس بعهدہ گرفت که به لندن تلگراف کند و برای مبلغ لازم اعتبار نامه به بانک شاهنشاهی بیاورد.»

این امر نشان می‌دهد که مظفرالدین شاه باید برای مرتفع ساختن مشکلات میراثی به انتظام امور مالی بپردازد. از او در چنین شرایط تنها کاری که ساخته است، افزایش مالیات و اعمال قدرت بر مودیان و محصلان مالیاتی به منظور جمع‌آوری دقیق مالیات است. این کار برای تسکین آلام موقتی بود زیرا حکام ایالات در وجود مظفرالدین شاه رعب شاهانه نمی‌دیدند و درآمد ایالت را از آن خود می‌دانستند دیگر اینکه شخصیت شاه اجازه سخت‌گیری و استبداد‌گری را نمی‌داد و بسیاری از حکام از رأفت و مهربانی او سوء استفاده کردند. همچنین باید گفت که گشاده‌دستی و بخش‌های گزاف و بیمورد شاه باعث گشت که خزانه بیشتر و سریعتر تهی گردد. افضل‌الملک کرمانی در این زمینه چنین آورد:^۳

«وی چندان عطایا و نشر مواهب دارند که مستوفیان دفترخانه مبارکه از احصاء آن عاجز هستند عریشه احدی را که پول خواسته باشد بدون عطا جواب نمی‌دهند. این سلطان باذلی تا ده هزار تومان از اصل مالیات به یک نفر اضافه موجب مرحمت فرمودند. و چند هزار نفر که در این دوره اضافه موجب فراوان برده اند... در این دوره تقریباً دو کرور بر مالیات سابق ایران افزوده شد تمام این اضافه مالیات بر اضافه موجب مردم داده شد و از اصل مالیات باز بقدر یک کرور مرحمت شد.»

شاه برای دستیابی به پول دوکار عمده صورت داد یکی از حاج امین‌الضرب غرامت پول سیاه خواستند و دیگر اینکه در امر گمرکات رصدهایی صورت داده تا بدین طریق بر در آمد کشور بیفزایند. برای این منظور چند نفر بلژیکی را استخدام کرده و گمرکات را به آنها سپردند. دولتمردان حاج امین‌الضرب و پسرانش را توقیف کرده و از آنان مطالبه غرامت نمودند. درباریان نتوانستند از حاج امین‌الضرب پول دریافت نمایند. چون اعتراف به خسارت ننمود ولی پسرش متعهد گردید که سه کرور بابت خسارت بپردازد. فخرالسلطنه در این باره می‌نویسد:^۴

«املاک 250 هزار تومان، راه آهن محمودآباد (مخارج) 700 هزار تومان، راه آهن محمودآباد و املاک را شاه نخواست و قرار شد 700 هزار تومان به اقساط بدهد. قریب یک کرور در خانه داشت ... ابریشم 100 هزار تومان - نقد 500 هزار تومان - جواهر 150 هزار تومان.»

جالب این است که دیناری از پول بدست شاه نرسید و حتی قرض غرامت را نتوانسته بدهند بلکه تمام را فرمانفرما و حکیم‌الملک به عنوان وزارت جنگ و بنایی و بعضی مصارف دربار ربودند و

خوردند. برای اینکه توجیه شرعی هم در خصوص غرامت حاج امین الضرب داشته باشند از میرزا حسن آشتیانی استفتاء نموده و وی در پاسخ گفت: «تعزیم حاج محمد حسن به اندازه‌ای که از پول سیاه خسارت رسانده جایزه است.»

امین الدوله با عنایت شاه تلاش داشت که وضع مالیه را سروسامان دهد و توجه آنها به اصلاحات گمرک ناظر به همین معناست. مالیه دولت مظفری در وهله اول از سوی درباریان طماع مورد تهدید و دستبرد قرار می‌گیرد و شاه توان مقابله با آن را ندارد. اصلاحات گمرکی هم در تأمین نیازهای مادی شاه و درباریان تأثیری نهاد چون ولخرجی‌های آنها در حد احصاء نیست. بی تردید این اصلاحات در افزایش درآمد تأثیر بسزایی داشت اما درآمد حاصل از آن به کجا می‌رفت و به چه مصرفی می‌رسید معلوم نیست. تمام دستگاه اداری و نظامی و غیره قاجاریه بالا آمد حاصل از مالیات - گمرک و تجارت آن عهد قابل اداره و کنترل بود و حتی مقادیری هم اضافه بر خرج در خزانه ذخیره می‌گردید اما چرا دولت اینگونه در مضعه مالی قرار می‌گیرد؟ معمای لاینحلی است.

بی تردید فشارهای خارجی و دخالت‌های روس و انگلیس در نابسامانی سیاسی و اقتصادی دخیل است اما عوامل داخلی در این وضع مهمتر و تأثیرگذارتر می‌باشد. دولت مظفری گرفتار نهادها و دستگاه‌های پر نفوذ و پرهزینه است. درباریان و شاهزادگان از پرخرج ترین افراد عهد مظفردالدین شاه بودند. همگامی که شاه کاردان حرمسرا و درباریان ناصری را با پرداخت مواجی مرخص نمود. براحتی توانست از نفوذ درباریان بکاهد به عبارت دیگر مخارج غیر ضروری را بکاهد. درباریان مظفری و حرمسرای او در مقابل دربار ناصرالدین شاه ناچیز است و مخارجش بیش از آن بود بقول حاج سیاح هر یک از درباریان مظفری ده برابر درباریان ناصری مداخل می‌برد.^۵ به همین دلیل است که اقدامات شاه و صدراعظم در تنظیم دخل و خرج کشور نا موفق و دولت همیشه و در همه حال با کسر بودجه مواجه است. کنل کاسا کوفسکی درباره علل کسر بودجه در سال‌های اول مظفردالدین شاه می‌نویسد:^۶

1- پرداخت مبلغ قابل توجهی بالغ بر چندین هزار تومان در سال به عده‌ای از زنان حرمسرای ناصری^۱ هزینه پیش بینی نشده میلیون تومانی را دفعتاً بر بودجه دولت تحمیل کرد.

2- اعطای اضافات سه هزار تومانی و پنج هزار تومانی به بعضی و خرید خانه‌های ده پانزده هزار تومانی برای بعضی از درباریان گرسنه که از تبریز به تهران آمدند.

3- ضعف حکومت مرکزی نسبت به ایالات، حکام برای شاه پیر یک یک پول هم ارزشی قائل نبودند و از ارسال مالیات امتناع می‌ورزیدند و منتظر بودند که سرانجام کار چه شود.

4- تعیین حقوق گزاف برای اطرافیان آذربایجانی خود مثلاً برای پزشک دربار بجای دو هزار تومان هفت هزار تومان حقوق برقرار نموده است.

5- قسمت عمده مالیات سالیانه را که حکام و ایالات بایستی بپردازند، ناصرالدین شاه برای مخارج جشن پنجاهمین سال سلطنت خود داشته بود.

دلایل فوق تا پایان دولت مظفری به قوت خود باقی است و دولت با همه اقداماتی که بتواند قدرت درباریان را تعدیل نماید، موفق نشد. شاه امین الدوله را به مقام صدارت برگزید که از پس مشکلات مالی برآید و قروض سابقه را پرداخت کند اما توان صدراعظم در مقابل با قدرت روزافزون درباریان ناچیز است و هر اقدام اصلاحی او زمینه سقوطش را فراهم می‌کرد.

اصلاحات بی سرانجام

قبل از روی کار آمدن امین الدوله، فرمانفرما مقام صدارت را بر عهده داشت. وضع مالی بسیار بد و خزانه تهی به نظر می‌رسید. مبلغی که از عهد ناصری در آن موجود بوده در حدود یکصد هزار اشرفی است که این مبلغ نیز کفایت مخارج را نمی‌کرد. بنابراین تصمیم گرفتند اثنائیه طلا و نقره اعم از میز و صندلی را بیرون آورده و در ضرابخانه به سکه تبدیل نمایند.^۷ این حرکات نسنجیده سبب گردید که شاه برای اصلاح امور مالی شخص لایق و کاردان را به روی کار آورد لذا فرمانفرما را از مقام صدارت عزل و در رجب 1315 قمری امین الدوله را به صدارت برگزید.

امین الدوله که از نزدیک شاهد آشفتگی مالی و خزانه تهی است درصدد بر آمد که کشور را از این فلاکت نجات دهد. از این رو ناصرالملک را به وزارت مالیه منسوب کرد و یکسری اصلاحاتی را شروع نمود وزیر مالیه سیستم مالی غیر متمرکز را نپذیرفت و تصمیم گرفت سیستم متمرکز را دائر سازد تا براساس آن بتواند میزان دخل و خرج را بدست آورده و حسابرسی دقیق دریافت و پرداخت

داشته باشد. در این سیستم کلیه عواید دولتی به مرکز ارسال می‌گردید و مواجب بگیران می‌بایست مستمری خود را از صندوق مرکزی دریافت دارند. اما این امر نتوانست رضایت عمومی را جلب نماید چون مردم (موجب بگیران) اطمینانی به خزانه پر نداشتند. عبدالله مستوفی می‌نویسد:^۸

«ناصر الملک برای حصول مقصود خویش مواجب مستوفیها و سررشته داران آنها را مستثنی نمود و مقرر داشت که مواجب آنها کماکان به خرج ولایات خودشان بیاید. همینطور به آنها فهماند که تومانی یک عباسی را همچون خود آنها متصدی صدور حواله حقوق افراد قلمرو خود به خزانه خواهند بود، کماکان خواهند گرفت.»

ناصرالملک نتوانست کاری را صورت دهد. امین الدوله هم که همانند او می‌اندیشید برای اصلاح امور طرح و برنامه داشت. وی معتقد بود که نیاز کشور را از پول خارجی به وسیله احداث کارخانه برای ترویج تولید کالا در داخل رفع کرد. تسلط اقتصادی روس و انگلیس بر ایران و خروج بی‌رویه طلا از کشور صدر اعظم را وادار کرد که گامی در جهت نجات کشور بردارد. از این رو با استخدام تنی چند از مأمورین بلژیکی به اصلاح گمرک پرداخت اما مشکلات فزاینده کشور و توقعات زیاد درباریان هرگونه ابتکار عمل را از او سلب کرد. امین الدوله که قوی به نظر می‌رسید دست از کوشش نکشید و برای اصلاح امور تأکید ورزید. مطبوعات آن عصر در این زمینه می‌نویسد ترقی دولت ممکن نیست مگر در سایه قوت قوت میسر نیست مگر در سایه خزانه و خزانه جمع نمی‌شود مگر به اصلاح وضع مالیه و وضع مالیه اصلاح نمی‌شود مگر به مأمور درستکار دولت پرست و ملت پرست و دوست.^۹

امین الدوله که مصداق این امر بودمی توانست کشور را به سمت قله ترقی هدایت نماید بدین منظور برای کاهش قدرت درباریان از مقام سلطنت آغاز کرد. کسروی می‌گوید وی لایحه‌ای به شاه داده و در آن گفته بود نخست باید ماهانه شاه به اندازه باشد تا بتوان به دیگران ماهانه به اندازه داد.^{۱۰} دیری نپایید که از سوی درباریان و اجزای خلوت به شاه از عمل صدراعظم اعتراض کرده و بعد وانمود کردند که امین الدوله قصد دارد استقلال کشور را نابود سازد.

اقدامات اصلاحی صدر اعظم به شدت سرکوب شد و تنها گمرک تحت ریاست نوز به کار خویش ادامه داد اما نیاز مالی دولت، امین الدوله را واداشت که به استقراض دست آویزد. چیزی که با آن

مخالف بود ولی چاره‌ای نداشت. دستور همایونی بر این تعلق گرفت که برای تهیه پول باید استقراض از روس یا انگلیس نمود. و صدراعظم راهی جز اطاعت ندارد. وی در زمینه استقراض محتاطانه عمل کرد. در ابتدا تصمیم گرفت از دولت ثالثی وام بگیرد و پول استقراضی را صرف امور عمرانی کشور نماید. از این رو با بعضی از کشورها نظیر آلمان، بلژیک، فرانسه وارد مذاکره شد. هر یک از این کشورها شرط و شروطی داشتند و همینطور بعضاً در اعطای وام به ایران بیمناک بودند. از سوی دیگر سنگ اندازی روس و انگلیس مانع از انجام هرگونه موافقت ایران با دولت ثالث بود. مذاکرات ایران با کشورهای مذکور به جایی نرسید و صدراعظم نتوانست ایده خود را به منصفه ظهور رساند. از آنجا که شخص صدراعظم همسو با انگلیس بود ترجیح داد از انگلیس وام بگیرد. وی برای مبلغ دریافتی طرح و برنامه عمرانی داشت و نظرات خود را در این زمینه اینگونه ابراز داشت:^{۱۱}

«مبلغ سی کرور از دولت انگلیس یا فرانسه استقراض نماید و گمرک ایران را در مقابل آن قرض محل وثیقه معین کند که عایدات گمرک مرتباً در ازای اصل و فرع آن طلب بطور استهلاک ضبط شود و با آن سی کرور به ترتیب ذیل عمل شود.

ده کرور آن را به قروض متفرقه دولت از عهد ناصرالدین شاه بابت طلب رژی و غیره باقی مانده و قروض متفرقه مظفرالدین شاه که از بانک‌ها یا تجار اخذ نموده است عاید دارند. ده کرور آن را تشکیل کمپانی برای احداث خط آهن در تمام نقاط ایران منظور دارند. وعموم مسئولین مملکت را به شرکت در این پروژه دعوت نمایند و البته بعد از آنکه دولت ده کرور سرمایه در آن شرکت داشته باشد مردم دیگر هم مطمئن شده لاقلاً چهل کرور هم با دولت شرکت خواهند کرد و با پنجاه کرور در ظرف ده سال تمام خطوط و معابر ایران را می‌توان آهن کشید.

ده کرور دیگر را دولت برای استخراج معادن و بستن سدهای لازم از قبیل سد اهواز و بند کارون و آوردن کارخانجات معین نماید. تجار داخله هم به اطمینان سرمایه دولت حاضر می‌شوند که چهل پنجاه کرور بر آن اضافه نمایند و در ظرف ده سال از منافع وعایدات همان اقدام مفید هم فرع و هم اصل وجه استقراض پرداخته می‌شود و هم عایدات دولت از بابت سهم شرکت و حقوقی که رسماً از منافع آن می‌گیرد چندین مقابل مالیات امروزی می‌شود.

درباریان هم برای مبلغ وام خواب‌هایی دیده و در خیال خویش هر یک عمارتی نو می‌ساخت. آنان با طرح و برنامه صدراعظم مخالف بوده و معتقد بودند که کل وام باید در اختیار همایونی قرار گیرد و با نظر آنها به مصرف امور ضروری برسد. درباریان آرزو داشتند که با دریافت پول ایامی را به عیش و نوش بپردازند و در رکاب شاه به سیرو سیاحت بروند، ولی صدر اعظم به سازندگی کشور می‌اندیشید و هنگامی که از اقدامات اصلاحی خود را در امر مالیه، ناامید گشت با اصرار شاه و علی رغم میل خود، پذیرفت که استقراض نماید و برای مبلغ وام هم آنگونه برنامه ریزی کرد بطوریکه یک دینار آن صرف مسائل تفریحی نمی‌گردد.

امین الدوله با این هدف با بانک شاهنشاهی وارد گفت و گو شد. منابع متفق القول نیستند که وی موفق به اخذ وام شد یا نه در کتاب نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه آمده:^{۱۲}

«... در بیستم مارس 1898 م / شوال 1315 ق موفق به دریافت 50000 لیره وام اسقاطی یکساله گردید و درآمد گمرک کرمانشاه و بوشهر را وثیقه این وام قرار داد...»

کاظم زاده درباره مقدار وامی که امین الدوله از بانک شاهی طلب نمود می‌نویسد:^{۱۳}

«... در ماه دسامبر 1897 م برای دریافت وامی به مبلغ 400000 لیره انگلیس با بهره 5٪ به بانک شاهنشاهی مراجعه و پیشنهاد کرد که عواید گمرک‌های محمره و کرمانشاه وثیقه قرض باشد.» چارز هاردینک^{۱۴} (وزیر مختار انگلیس در تهران) پیشنهاد ذیل را به سالیسوری^{۱۵} (وزیر امور خارجه بریتانیا) ارائه داد و تأکید نمود که در این شرایط ایران به پول سخت نیازمند است. وی اعطای این وام را از نظر سیاسی بلامانع دانست.

بانک شاهنشاهی برای پرداخت وام مذکور مشکلاتی را عنوان نمود و بعضی از محافل اقتصادی بریتانیا با اعطای وام به ایران مخالفت نمودند. صدراعظم با توجه به آن، مذاکره با بانک را قطع و از دولت بلژیک تقاضای وام کرد؛ بلژیک از اعطای این وام امتناع ورزید زیرا اسباب دشمنی با انگلیس را فراهم می‌ساخت. صدراعظم در پیشنهاد خود مبلغ 400000 فرانک را در ازاء حق نظارت بلژیک‌ها در گمرک را خواسته بود که مورد موافقت قرار نگرفت.^{۱۶} کاظم زاده می‌نویسد:^{۱۷}

«امین الدوله با وساطت هاردنیک توانست مبلغ 50000 لیره انگلیس از بانک شاهنشاهی ایران بستاند اما این همه پولی نبود که امین الدوله تقاضای آن را کرده بود. وی درخواست 250000

پوند را کرد دولت ایران بی درنگ گمرک‌های کرمانشاه و بوشهر را تحت نظارت بانک نهاد. سالیسوری اظهار امیدواری کرد که بقیه مبلغ 250000 پوند به دولت ایران پرداخت شود تا حق نظارت موقتی که فعلا آنها در بوشهر و کرمانشاه از آن برخوردار بودند مبدل به راه و رسم دائمی کرد.»

ملک‌المورخین معتقد است که صدراعظم موفق به دریافت وام نگردید. وی قصد داشت که مبلغ هفده کرور از انگلیس با ضمانت یکی از بنادر قرض کند که با شکست مواجه گردید.^{۱۸} اما در جای دیگر ابراز می‌دارد که صدر اعظم به جهت بعضی مخارجات دولت، مبلغی را که یک کرور تومان باشد یا بیشتر از انگلیس قرض کرد گمرک بندر بوشهر و کرمانشاه را نزد بانک شاهنشاهی به گرو گذاشت.^{۱۹}

براین اساس می‌توان استنباط نمود که امین‌الدوله از بانک شاهنشاهی وام گرفت و وجه الضمان آن را هم گمرکات کرمانشاه و بوشهر قرار داد. این امر نشان می‌دهد که دولت مظفیری هم برای اداره کشور تأمین مخارج از پول خارجی استفاده کرد. تجربه تلخ دولت ناصری برای دولتمردان مظفیری سودمند نبود و آنها هم به ناچار تن به استقراض دادند. انگلیس تاکنون دوقفزه وام به ایران داد و گمرکات جنوب را در اختیار گرفت و رقیب سرسخت خود (روس) را برانگیخت که نسبت به این عمل واکنش نشان دهد و بعضی از افراد را علیه صدراعظم برآشوبد. در نتیجه جمعی از روحانیون که با رویه امین‌الدوله مخالف بودند عمل وام خواهی وی را محکوم کردند و مبارزه دامنه داری را تا سقوط وی از مقام صدارت آغاز نمودند.

امین‌الدوله به ضمانت شخصی خود مبلغ 200000 تومان از بانک شاهنشاهی قرض نمود با این امید که دولت دین او را بپذیرد. وی در خاطرات خود می‌نویسد:^{۲۰}

«از این بابت مورد ملامت دوستان قرار گرفت. برای یک دستگاه که ساعتی به قول و حرفش نباید اعتماد کرد قرض شخصی شرط عقل نیست.» مظفرالدین شاه بدهی امین‌الدوله را نپذیرفت. او برای حفظ اعتبار خویش وکیل معین کرد که آنچه ممکن است فروخته طلب بانک و غیره را بدهند. عمارت بانک شاهی و اراضی آن که ملک امین‌الدوله بود به ثلث قیمت عوض طلب به بانک داده شد.

جو علیه صدر اعظم بود وی برای تألیف قلوب شاه و درباریان نتوانست کاری صورت دهد عملکرد وی بر مذاق درباریان و روس خوش نیامد و با تلاش هرچه تمامتر دستخط عزل او را از شاه دریافت داشتند. امین الدوله در 15 محرم 1316 از مقام صدارت عزل شد. در زمینه عزل وی نظرات متفاوتی ارائه شده است. آنچه که ظاهر امر نشان می‌دهد تحریکات روس و مخالفت درباریان و بعضی از روحانیان و شخص امین السلطان که در این خصوص با دربار مظفری هماهنگی داشت اسباب سقوطش را فراهم ساخت ولی بعضی از محققان و تاریخ نویسان را عقیده بر این است که چون امین الدوله بر خلاف دستور شاه و میل باطنی درباریان تن به استقراض نداد از مقام صدارت معزول گردید.^{۲۱}

سرنوشت ایران در این دوره توسط دو سفارتخانه روس و انگلیس تعیین می‌شود. اصلاحات مورد نظر متفکران و مقامات دولتی در صورت مغایرت با منافع این دو کشور سلطه گر بی سرانجام خواهد ماند. امین الدوله مانند امیرکبیر نتوانست به توفیق مورد انتظار دست یابد. شاه و درباریان که تحلیل عمیق از روند کشور نداشتند اسیر گزارش‌های متناقض شده و لاجرم به عزل مقامات و گاه سر به نیست کردن خادمان ملت اقدام می‌کردند. و سرانجام امین الدوله نیز در نتیجه تباری درباریان و حمایت روس رغم خورد و از صحنه خدمت به زاویه عزلت انتقال یافت. اما آنچه که فراروی دولت و ملت خصوصاً شاه مانده، کمبود منابع مالی و تأمین اعتبار مورد نیاز هزینه‌های خارجی شاه دربار و کشور است. دولتین روس و انگلیس با استفاده از این فرصت توانستند در کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی به توضیحات زیادی نایل آیند. قرضه 1900 میلادی از جمله امتیازی است که روس بدست آورد که در این بخش از مقاله به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

قرضه 1900 میلادی و مصارف آن

میزان استقراضی که امین الدوله کرد پاسخگوی نیازهای شاه و درباریان نبود. مظفرالدین شاه برای دستیابی به پول هنگفت بار دیگر امین السلطان را به مقام صدارت برگزید و از همان آغاز وی را به دریافت وام مکلف ساخت. انگلیس از انتخاب امین السلطان ناراحت و لرد سالیسبوری طی تلگرافی مراتب نگرانی خود را به وزارت امور خارجه انگلیس اعلام داشت.^{۲۲} اما روس از این انتصاب راضی چون امین السلطان گرایش به روس داشت: صدراعظم پس از تحلیل و بررسی وضعیت مالی تصمیم گرفت وضع آشفته مالی کشور را به سامان برساند. با همکاری هیئت بلژیکی که امور گمرک

چهارم

کشور را بر عهده داشتند در آمد گمرگ به سقف چند میلیون تومان در سال برساند ولی این افزایش درآمد، کفایت مخارج را نمی کرد. از این رو برای رفع نیازهای فوری دولت و دربار با مساعدت ارگروپولو وزیر مختار روس در تهران از بانک مسکوی مبلغی قرض کرد. این قرضه در 27 رجب 1317 ق صورت گرفت. مبلغ 352752 تومان و پنج ریال از شعبه بانک تجاری بین المللی مسکو با سود صدی 12 وام گرفت و قرار شد دولت ایران این وام را از 17 ذی قعدة 1317 در چهارده قسط بپردازد، مشروط برآنکه گمرک پرداخت اقساط را تعهد کند.

صدراعظم در آغاز کار با پول خارجی به تمشیت امور پرداخت. وی بدون تقویت و تحکیم نظام مستوفیگری و انتظام جمع آوری مالیات در جهت تعمیق موقعیت خویش، طبق میل شاه و درباریان تقاضای وام نمود.

لازم به توضیح است که در شروط درباریان ترک آمده که امین السلطان برای استقراض تلاش کند، دیگر آنکه وجوه استقراض را بین آنها تقسیم نماید.^{۳۳}

در این وضع، آوازه بازگشایی نمایشگاه بین المللی سال 1318 ق پاریس انتشار یافت. این خبر شاه را وسوسه انداخت که سفر به فرنگ نماید و از نمایشگاه بازدید کند، دوستعلی خان معیرالممالک در این زمینه می نویسد:^{۳۴}

« شاه اتابک را گفت تا مقدمات سفر او را به اروپا فراهم سازد که هم تماشایی کند و هم به معالجت خویش بپردازد. اتابک می دانست که با این پول نمی توان مخارج مسافرت شاهانه را تأمین کرد ناچار برای استقراض با انگلیس و روس به مذاکره پرداخت.»

در این ماجرا شاه و صدراعظم از یک سو و دولتین روس و انگلیس از سوی دیگر دخیل هستند. دولت ایران تلاش می کرد ... و با شرایط ... و قابل وصول استقراض نماید. دولتین می کوشیدند که وامی را به ایران بدهند.

صدراعظم گرچه تمایلی به روس داشت اما از شروط انگلیس نیز مطلع گردید. کاساکوفسکی در خصوص شرایط انگلیس می نویسد:^{۳۵}

«شرایط عمده این قرارداد استعماری که به جرأت می‌توان آن را «آغاز پایان ایران» نامید از این قرار است. انگلیس قرضه‌ای به ایران می‌پردازد به مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره با سود 5٪ به مدت پنج سال ولی این مبلغ تمام و کمال پرداخته نمی‌شود بلکه قرضه‌های زیر از آن کسر می‌گردد:

1- 450 هزار لیره قرض انحصار تنباکو

2- در حدود 300 هزار لیره بدهی دولت به بانک شاهی

3- یک مبلغ جزئی که بانک استقراض روس طلبکار است. مضافاً اینکه انگلیس مبلغ 225 هزار لیره بابت مخارج و رشوه‌های پرداختی از کل مبلغ وام کسر و بجای 12500000 لیره فقط 1025000 لیره می‌پردازد و دولت ایران باید سالی هفتاد هزار لیره بابت استهلاك وام به دست انگلیس پرداخت نماید. و بابت تضمین قرضه کلیه گمرک جنوب ایران را به گرو می‌گیرد.»

صدراعظم پس از اطلاع از شرایط مذکور ترجیح داد قبل از هر اقدام از شرایط روسیه هم آگاهی یابد تا با مفاسد این دو بهتر بتواند تصمیم بگیرد. کاساکوفسکی شرایط پیشنهادی روسیه را به شرح زیر اعلام می‌کند:^{۲۶}

«وینته وزیر دارایی به سفیر دستور داده که با دولت ایران درباره قرارداد قرضه‌ای تحت شرایط کلی زیر وارد مذاکره شود.

بانک بین‌المللی روس چهل میلیون فرانک می‌پردازد در مقابل نشر سهام با 85٪ قیمت طبیعی سهام با سود 5٪ به مدت چهل سال که منافع آن سال به سال پرداخته شود به اضافه یک میلیون فرانک بابت استهلاك اصل سرمایه.

تضمین

1- درآمد تمامی گمرک ایران اعم از شمال و جنوب، یک نفر بازرس تعیین خواهد شد برای مراقبت در اینکه وجوه گمرکی بطور منظم بابت استهلاك قرضه پرداخت شود. هرگاه دولت ایران این اقساط وام را مرتب نپردازد بانک بین‌المللی حق خواهد داشت کمیسیونی از اعضای خود برای کنترل عوائد گمرک تعیین و مأمور نماید.

2- درآمد کلیه شیلات بحر خزر

صدراعظم از ارفع الدوله وزیر مختار ایران در سن پترزبورگ خواست که رسماً با دولت روس درباره استقراض وارد مذاکره شود. دولت روس از اطمینان از وکیل بلاعزل بودن ارفع الدوله باب مذاکره را گشود و طرفین پس از مراودات و مکالمات زیاد سند قرضه 1900 میلادی را امضاء نمودند. قرارداد قرضه 1900 میلادی در ژانویه 2/1900 شعبان 1317 در 16 فصل به امضاء طرفین رسید.

در فصل اول قرارداد ایران متعهد شده که در مورخ 4 جمادی الاول 1317 مطابق 30 اوت 1899م به انتشار یک استقراض مملکتی که جمع آن اسماً معادل 22 میلیون و نیم می‌شود اقدام نماید. این استقراض با بهره 5٪ از اصل اسمی آن بوده و به اسم استقراض 1900م موسوم گردید. این مبلغ در مدت 75 سال تادیه خواهد شد.

انجام این استقراض، راه نفوذ روس به دربار ایران را هموار کرد. در روزنامه مجلس آمده که روس برای نفوذ معنوی خود بر اولیای امور ایران به دنبال راه مناسبی می‌گشت، قرض دادن به یک وجه بهترین راه است.^{۳۷}

دولتمردان وقت ایران دلایل و توجیهات قانع کننده‌ای جهت دریافت این وام کلان ارائه ندادند و برنامه مشخصی برای مصارف این وام هنگامت که بتواند منجر به ایجاد زیرساخت‌های نو برای عمران و آبادانی کشور گردد وجود نداشته است. شاه برای درمان و معالج بیماری و سفر به اروپا نیاز به پول داشت و درباریان جهت تفریح و خوشگذرانی در اروپا مطالبه پول کردند و صدر اعظم چون امور و عمران کشور نیازمند منابع مالی بود. دولت و دربار برای تنویر اذهان عمومی- موضوع عمران و آبادانی و احداث سد اهواز را دلایل این وام بیان می‌کردند اما سد اهواز ساخته نشد و این وام صرف برنامه‌های غیرضرور و مورد دلخواه شاه و دربار گردید. دولت ایران تا این زمان چهار نوع قرض داشت. افضل الملک کرمانی می‌نویسد:^{۳۸}

« اول قرض رژی که باقیمانده آن چهار صد هزار لیره است. دوم قرض بانک‌های روس و انگلیس و مسکویی که به این سه بانک، دولت ایران پنج کرور و کسری مقروض است و سالی سیصد هزار تومان متجاوز از قرارصدی دوازده فرع باید داده شود گمرکات آذربایجان و گیلان و

مازندران به ضمانت قرض بانک روس مقرر بود. این قرض در سلطنت مظفردالدین شاه وقوع یافته است. سوم. قرض تجار داخله. قریب به دو کرور با فرع صدی هجده که سالی متجاوز از یک صد و هفتاد هزار تومان باید داده شود. چهارم قرض دولت به ارباب حقوق دیوانه و ادای موجب نوکرانه بود که باید بعضی از حقوق ایشان در تهران صادر شد و از خزانه مبارکه دریافت گردد.

مضاف بر این، بعضی از درباریان و وزراء که درطول خدمت خود مبالغی را خرج کرده و یا برای انجام امور به پول نیاز داشتند. عبدالله مستوفی موارد متعددی را از زبان صاحب منصبان برای جذب منابع و انجام امور تحت حوزه برشمرده است. مانند بازسازی سردرهای عمارت ملوکانه، پرداخت بهای ما بتفاوت قیمت گندم و خرید آبی، دین معوقه، نیازهای وزیر جنگ.^{۲۹}

دولتمردان بدون دغدغه ایی وجوه استقراض را دریافت و بر میل و اراده خویش خرج کردند. شایان ذکر است که دولت روس مبلغ استقراض را از دولت فرانسه با بهره 3/5٪ قرض نمود با بهره 5٪ به ایران وام داد.

پس از تمهید مقدمات سفر، شاه در معیت صدراعظم وعده زیادی از درباریان راه اروپا را در پیش گرفت. شاه و ملتزمین رکاب در اروپا به سیروسبیاحت پرداخته و مدتی را در عیش و نوش بسر برد و برای معالجه خود از آب معدنی کارلسباد استفاده کرد. وجوه استقراض در تأمین هزینه های سفر بکار گرفته شد. از مبلغ 22/5 میلیون منات وام اخذ شده بیشتر آن صرف مخارج سفر و هزینه درباریان گردید. و برای احداث سد اهواز چیزی باقی نماند. عبدالله مستوفی معتقد است که در حدود نصف این دوازده میلیون تومان، صرف خرج های بیهوده مذکور گردید.^{۳۰}

800000 تومان از وجوه وام به عنوان قصر دارآباد به حکیم الملک رسید. وی کاری صورت نداد اما ثروتمند شد.^{۳۱} بنا بر نظر کسروی وام بانک شاهنشاهی را پرداخت و مبلغ باقی مانده را در سفر فرنگ خرج نموده و کیسه تهی به ایران بازگشتند.^{۳۲} حاج سیاح اعتقاد دارد که از وجوه قرض یک کرور صدراعظم، یک کرور مشیرالدوله و میرزا نصرالله، دو کرور هم سایر درباریان بین خود تقسیم کردند. همینطور مبلغ معتابهی صدراعظم به ملاهای متنفذ داد که صدا در نیاورند و نگویند این قرض خلاف شرع است.^{۳۳} و همینطور یک میلیون منات معدل یک کرور تومان به ضمیمه لقب پرنسی نصیب ارفع الدوله گردید.^{۳۴}

قرضه 1900م اینگونه خرج گردید و از کسی صدا در نیامد. صدراعظم با شناختی که از افکار موجود و افراد پرخاشگر داشت توانست با تطمیع آنان را ساکت سازد. حاج سیاح می‌نویسد:^{۳۵}

« حاجی میرزا ابوطالب زنجانی که از جمله علماء غیور درستکار رشوه‌نگیر طهران بود و کارهای او (اتابک) را عیبجویی می‌نمود. روزی در مجلسی که با هم بودند گفته بود میرزا علی اصغرخان، ایرانیان را خیلی ارزان فروختی، من حساب کرده‌ام هر فرد ایرانی به دولت خارجه به پانزده قران فروخته شد. او در جواب گفته بود خیلی گران فروخته‌ام، ایرانیان نفری دو قران بیشتر نمی‌ارزند.»

بازتاب قرضه 1900م بر روابط ایران و انگلیس تأثیر گذاشت. پیر استعمار برای اینکه از رقیب دیرینه اش در ایران عقب نیفتد، کوشید که وامی را بر ایران تحمیل و یا درصد اخذ امتیازات سیاسی و اقتصادی مهم برآید که پرداخت قرضه 1902م و اخذ امتیاز نفت از جمله دستاوردهای مهم برای انگلیس بوده است. قرضه 1900م در مطبوعات نیز انعکاس داشته و روزنامه حبل‌المتین در مقاله‌ای به نقد آن پرداخت^{۳۶} «... رای ما بر این است دولت علیه ایران را ضرورتی پیش نیامده که محتاج به استقراض باشد و چنانچه به جهت تعمیرات جدید و تکمیلات لازمه ملکی دولت علیه را حاجتی پیش آمده آن است که استقراض از داخله باشد و این منوط به آن است که ملت مطمئن باشند که سود و اصل وجهشان از میان نخواهد رفت. بیست و دو میلیون و نیم روبل اینقدرها قدرش قابل نیست که ما از خارجه قرض نمائیم.»

قرضه 1902 میلادی و نحوه‌ی هزینه‌ی آن

دولت مظفری برای تهیه پول مورد نیاز به مالیات و گمرک دل نیست و بیشتر به استقراض خارجی و اعطای امتیازات امید بست لذا در سال 1901م امتیاز نفت را به ویلیام ناکس داری و اگذار کرد ولی عواید حاصل از آن تکافوی خرج دولت و دربار را نمی‌کرد. از این رو چاره‌ای نداشت که تن به استقراض دهد. استدلال شاه و دولت در زمینه استقراض خارجی این بود: « کاستن از خرج یا افزودن بر دخل هر دو اسباب عدم رضایت عموم ملت و باعث اشکالات داخله و بالاخره مورث مداخله خارجه خواهد بود.»^{۳۷} بنابراین تنها راه عملی در اکتساب پول را استقراض خارجی را یافتند. به دستور شاه اتابک برای دومین بار از روسیه تقاضای وام نمود. روس که این رویداد را می‌پسندید به دولت

ایران جواب مثبت داد منتهی شروطی را متذکر گردید و آن اینکه اعتبار خط آهن جلفا به تبریز و دیگری تغییر تعرفه گمرکی به سود دولت روس را به روسیه واگذار کند.^{۳۸}

دولت ایران که چاره‌ای نداشت شرایط فوق‌الذکر را پذیرفت و راه برای دریافت قرضه دیگر هموار شد. با مساعدت مسیونوز در سال 1902م/1319ق از روسیه استقراض صورت گرفت. البته در اخذ این وام شاه مستقیماً فعالیت نموده و دستوری مبنی بر تسریع در اخذ وام برای اتابک فرستاده است.^{۳۹} طبق قرارداد منعقد، ایران از روسیه به میزان ده میلیون منات (قریب به سه میلیون تومان) قرض کرد. شرایط این وام مانند وام اول از روسیه است و آغاز استهلاك اصل و فرع از 11 محرم 1320ق و قسط استهلاك سالانه آن 514006 منات و 6 کپک بود و آنکه دولت ایران می‌بایستی هر سال فرع وام را بپردازد. در تاریخ 6 شعبان 1331 ق تمامی ده میلیون منات وام بر عهده ایران باقی بوده است.^{۴۰}

شاه و صدر اعظم پس از دریافت وام برای بار دوم سفری به اروپا رفتند. وجوه استقراض دوم مانند وام اول صرف امور گراف و هزینه سفر گردید و سرمایه ملت بدینگونه تباه شد. رجال درباری در این سفرها بیش از شاه به ولخرجی و عیاشی مشغول گردیده و هرچه که خرید نموده آن را در صورت حساب شاه تحت عنوان «پرداختی بابت اشیاء خریداری به حساب (علیحضرت)» قلمداد و منظور کردند.^{۴۱} برای نمونه یک برگ هزینه دو روزه توقف پوتسدام را که به خط حسام السلطنه در 26 صفر 1320ق با ارقام ... تنظیم شده و به تائید شاه رسیده است بدین شرح است که در این اقامت 2 روزه مبلغ 34654 مارک بابت هزینه‌های پزشکی - خدمات - ایاب و ذهاب - انعام به کارکنان هتل و ... پرداخت شده است.^{۴۲}

حبل‌المتین چاپ کلته در انتقاد به دولت مظفردالدین در خصوص استقراضات نابجا می‌نویسد: «... دوسال است دولت ایران دست به استقراض زده چهل کرور قرضدار شده ایم اگر بدین منوال تا بیست سال بگذرد اصل و فرع زیاده از میلیون کرور مقروض خواهیم شد آنوقت است که کار مثل حالیه بلغار شود.»^{۴۳}

خلاصه آنکه وجوه استقراض دوم در سفر ثانی خرج شد. شاه و هیئت همراه پس از سیروسایاحت و استفاده از داروی منحصر به فرد (آبهای معدنی کنتراکسویل) به تهران بازگشتند و دوباره شاهد وضع

آشفته شدند وجوهاتی که بدست آوردند سودی برای خزانه نداشت. زیرا خزانه همچنان تهی است. شاه با دست پر رفت و با جیب خالی برگشت و اینک نظارگرخزانه تهی است.

قرضه 1903

اسقراضات پیاپی ایران از روس، انگلیس را بر آن داشت که برای موازنه نفوذ خود در ایران وارد عمل شود. سر آرتور هاردینگ وزیر مختار انگلیس در تهران کوشید که پول مورد نیاز ایران را دولت متبوعش تأمین نماید. در راستای این هدف هاردینگ طی نامه‌ای خطاب به میرزا علی اصغر خان اتابک دیدگاه دولت مطبوع خود را در خصوص شروطی که در استقراض ایران از روسیه آمده اعلام داشت. وی در نامه خود از اتابک خواست که با پذیرش شروط استعماری روس راه دوستی و مودت با انگلیس را مسدود نکند و در صورت احتیاج به پول راهی برای اخذ وام از دیگر کشورها بازگذارد.^{۴۴} این دیپلمات انگلیس سعی کرد وامی را بر ایران تحمیل نماید زیرا به خوبی دریافت که برای مقابله با روس دادن وام و نقض قرارداد قرضه 1900 بهترین ابزار است.

مشکلات مالی و خزانه تهی شاه و دولت را واداشت که وام دیگری را اخذ نمایند. اتابک طبق معمول از روسیه تقاضای وام کرد. اما دولت روس بنا به دلایل خود این بار به ایران جواب مثبت نداد و از پرداخت وام امتناع کرد. ا.ک.گروبه رئیس بانک استقراضی روسیه در پاسخ به درخواست اتابک نوشت: «از مسیو دووئته دستور دارد که وام دیگری اعطا نکند مگر ضمانت شود که پول به مصارف عمومی خواهد رسید و به وسیله درباریان و کسان نالایق خود حضرت اشرف حیف و میل نخواهد شد.»^{۴۵}

انگلیس که جریان استقراض ایران را تعقیب می‌کرد. این بار هوشمندانه به صحنه آمد و مانع از این گردید که دولت ایران از روسیه تقاضای وام نماید. زیرا می‌دانست که پیامد آن اعطای امتیاز لوله کشی سراسری باکو تا خلیج فارس خواهد بود. بنابراین از وزیر مختارش در تهران پشتیبانی نمود و اصرار ورزید که وام ایران را از بانک شاهنشاهی اخذ نماید.

اتابک از پاسخ گروبه مایوس و روی به جانب بانک شاهنشاهی آورد. هاردینگ که انتظار چنین تقاضایی را می‌کشید فرصت را از دست نداد و درصدد برآمد که وام را برای ایران تهیه نماید پس از مذاکرات دوجانبه قرارداد بین ایران و بانک شاهنشاهی بسته شد. این قرارداد بین امین السلطان و

ژوزف نوز از طرف ایران و جوزف رابینو از سوی بانک شاهنشاهی در 14 آوریل 1903 / 1321ق امضاء گردید.^{۴۶}

به موجب این قرارداد انگلیس مبلغ 200000 لیره با بهره 5٪ به ایران وام داد. البته منابع دیگر، مبلغ 300000 لیره را عنوان نموده، اما سند موجود مبلغ 200000 لیره را تأیید می‌کند. ایران متعهد است که وام مذکور را طی مدت بیست سال بازپرداخت نماید و تقبل نمود عواید صیادی بحر خزر را وثیقه وام قرار دهد. و اگر این عایدات کفایت نکرد از عواید پست و تلگراف و در صورت نیاز عایدات گمرک فارس و خلیج فارس بردارند. انگلیس با اعطای این وام توانست ضربه‌ای بر سلطه مالی روس بر ایران بزند و زاویه نفوذی هم برای خود ایجاد نماید. لردکرزن معتقد است که برای تقویت نفوذ بریتانیا در ایران اصلاح وضع گمرکی و امور مالی آن کشور است. حسین قلی خان در خاطرات خود می‌نویسد: «انگلیسی‌ها متصل در کارند. از جمله شیلات گیلان را چون وعده اجاره روسها منتفی شده بود، ده ساله اجاره کردند یک کرور نقد دادند، باز هم برای قرض دادن در تلاشند که خرده - خرده بتدریج بدهند به عناوین مختلف تا طلب آنها هم تساوی و تعادل کنند.^{۴۷}

عین الدوله و خزانه تهی

با عزل امین السلطان در سال 1321ق از صدارت، شاه عین الدوله را به عنوان صدراعظم منصوب کرد. وضع کشور به لحاظ مالی خراب و بهم ریخته بود. امورات دولت و معاش روزانه شاه دربار با پول خارجی و مقدار کمی از عواید مالیاتی می‌گذشت.

میراث اتابک یعنی خزانه خالی در اختیار صدراعظم جدید قرار گرفت. عین الدوله برای پرنمودن خزانه و ذخیره سازی عواید دولت، اقداماتی را انجام داد. وی در آغاز کوشید که نیاز مالی دولت و شخص پادشاه را از داخل تهیه و تأمین نماید. گرچه وضع زارعین و کشاورزان خوب نیست اما دولت در وصول مالیات سختی به خرج می‌داد. دهقان و رعیت راهی جز پرداخت مالیات ندارد اگر چه به فروش مال و ناموس باشد. صفایی در تحقیقات خود به این موضوع اذعان داشته و اشاره می‌نماید که استاندار خراسان در وصول مالیات ارضی از دهقانان مستمند چندان سخت گیری کرد که مأمورانش در بجنورد و قوچان بیش از پنجاه زن و دختر روستایی از ایل باشقانلورا بجای مالیات به اسارت گرفته و به ترکمنها فروختند.^{۴۸}

صدراعظم برای تحقق برنامه‌های خود، ناصرالملک را به وزارت مالیه منصوب کرد. وزیر مالیه درصدد برآمد سیاست مالی عهد امین الدوله را مجری سازد. بنابراین کوشیدند مالیات‌ها به اقتدار هرچه تمامتر جمع آوری و در مرکز در صندوقی واریز و حقوق ارباب را از مرکز پرداخت تا بدین طریق بر دخل و خرج دولت واقف گردند. صدر اعظم با تلاش پیگیر توانست مبلغی را ذخیره سازد و خزانه شاهی را از وضعیت تهی بودن بیرون آورد.

البته در این شرایط افرادی هم در کشور حضور داشتند که برای نجات کشور از وخامت مالی طرح‌هایی را پیشنهاد می‌دادند. شمس الدین رشدیه از جمله افرادی است که راهکار عملی خود را به صدر اعظم ارائه داد. مهمترین محور در طرح رشدیه عدم پرداخت مستمری به طبقات متحول و درباریان به مدت هفت سال تا قرض روس ادا گردد.^{۴۹}

صدراعظم با توجه به وضعیت دربار و سلطنت و جایگاه خود استقبال چندانی از اینگونه طرح‌ها نکرد و تلاش‌های وی نیز در تأمین منابع مورد نیاز راه به جایی نبرد و همانند دولتمردان گذشته راه استقرار را پیش گرفت. و حتی شخص مظفرالدین شاه برای اخذ وام مستقیماً وارد عمل شد. حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی می‌نویسد:

«... این صدراعظم هم چیزی نخواهد شد. الآن 16 کرور قرض متفرقه دستی دارند و 3 کرور کسر بودجه و 7 کرور حقوق پارسالی مردم، 300 هزار تومان در فارس و کرمان مالیات لاوصول والی‌ها شده است. از 40 رور قرض سابق که به انضمام تنزیل 110 کرور بود و قسط عقب افتاده است. اگر حضرت خاتم عج الله فرجه ظهور بفرماید اصلاح پذیر نیست.»^{۵۰}

در زمینه قرض‌های خارجی عین الدوله نظرات متفاوتی وجود دارد. بعضی می‌گویند وی برای تأمین سفر سوم شاه از روسیه وام گرفت. بعضی را عقیده بر این است که او از انگلیس استقراض نمود. عبدالله مستوفی ابراز می‌دارد که عین الدوله بر اساس سیاست اصلاحی خویش پول مورد نیاز سفر را تهیه نموده و دیناری را استقراض ننموده است.^{۵۱} اسناد موجود حاکی از این است که وی در دوره زمامداری خود از بانک شاهنشاهی مبلغ قابل توجهی قرض کرد. افرادی چون هاشم محیط مافی و حاج سیاح اعقاد دارند که صدراعظم از روسیه وام گرفت و بوسیله آن به سفر فرنگ رفتند.^{۵۲} و خبر استقراض وی از روس در مطبوعات لاتین و فارسی درج گردید.^{۵۳} محمود محمود معتقد است که

با روی کار آمدن عین الدوله نگرش سیاسی دولت تغییر نمود، او حاضر بود هرچه انگلیس تقاضا کند وی انجام دهد.^{۵۴} در زمینه استقراض عین الدوله از انگلیس دو نظر وجود دارد یکی اینکه وی به عنوان خرید اسلحه از دریفوس وام گرفت و دیگر اینکه صدر اعظم از بانک شاهنشاهی استقراض کرد.^{۵۵} و با دریافت وام شاه برای سومین بار به همراه ملتزمین رهسپار اروپا گردید. اسناد موجود نشان می‌دهد که صدر اعظم مبلغ 290 هزار لیره از بانک شاهنشاهی استقراض نمود.^{۵۶}

شاه و صدراعظم در سال 1323 ق عازم اروپا شدند. پولی را که با هزار مشکل داخلی از دول بیگانه قرض کردند خرج سفر نمودند و پولی را که از انگلیس گرفتند صرف لهو و لعب گردید و اگر اسبابی خریدند، اسباب بازی بود. تنها 50000 تومان از این به مصرف یک مطبوعه عالی رسید که اکنون در تهران به مطبوعه شاهنشاهی معروف است. شاه و هیئت همراه از سفر شیرین به پایتخت بازگشتند ولی اوضاع داخلی بیش از گذشته در حال دگرگونی و تحول است. انتقادات همه جانبه از سوی علما و مردم علیه دولت علناً آغاز گردید. مطبوعات از برنامه‌های دولت و استقراضات پیاپی انتقاد نمودند. شاه و صدراعظم با خزانه تهی در مقابله با موج اعتراض مردمی یارای مقابله نداشتند دولت در نهایت اخلاص و ورشکستگی قرار گرفت. عین الدوله هم نتوانست کاری صورت دهد و قرضی بر قروض گذشته ایران افزود. مظفرالدین شاه و دولتش تسلیم به اعتراضات فراگیر شده و شرایط مشروطه طلبان را پذیرفته و فصل نوینی در سرنوشت سیاسی ملت ایران رقم خورد.

نتیجه‌گیری

پژوهش صورت گرفته نشان می‌دهد که دولت‌های عصر مظفرالدین شاه مانند عهد ناصری برنامه منظم و منطقی برای توسعه و پیشرفت کشور و رهایی‌بخش مردم از کمند مشکلات اولیه زندگی نداشتند. استمرار پرداخت مستمری به درباریان و صاحب منصبان و افزایش روزافزون هزینه شاه و دستگاه سلطنت و عدم نظارت و مدیریت پویا برای جمع‌آوری به موقع و با قاعده مالیات‌ها و عواید گمرکات، کشور را در وضعیت بحران مالی قرار دارد. سیاست‌های استعماری روس و انگلیس در زمینه بهم ریختگی اوضاع کشور به لحاظ مالی و سیاسی تأثیر مستقیم داشته است. ضعیف و مریض بودن پادشاه و انجام سفرهای اروپایی تأثیر بسزایی در بحران مالی داشته است. زیرا شاه تحت هر شرایط باید به اروپا سفر می‌کرد. تأمین مخارج سفر از منابع داخلی ممکن نبود. و دولت‌ها به ناچار برای پاسخ نیازهای مالی شاه و تأمین اعتبار هزینه‌های جاری روی به استقراض آوردند. سهم دولت اتابک برای اخذ وام و سهم دولت روسیه در پرداخت وام و بدهکار شدن دولت و ملت نسبت به انگلیس بیشتر بوده است.

وجوه استقراض بجای اینکه صرف امور زیربنایی و رفاه عمومی و امنیت ملی گردد. در سفرهای اروپایی شاه و ملتزمین هزینه شده و از قبل از این سفرها عایدی نصیب مردم نگردید. سنگینی استقراض و خزانه تهی، زمینه اعتراضات علماء، تجار، و مردم را فراهم ساخت. و یکی از عوامل موثر در رخداد نهضت مشروطه استقراضات خارجی و اثرات نامطلوب آن بوده است.

یادداشت‌ها:

- 1- بهرامی، عبدالله، خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا کودتا، تهران: انتشارات علمی، 1363، ص 63.
- 2- امین‌الدوله، میرزا علی خان، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، چاپ حافظ فرمافرماتیان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران، 1341، ص 211.
- 3- افضل‌الملک کرمانی، غلام حسین، افضل‌التواریخ، چاپ منصوره اتحادیه و سریس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ، 1361، ص 140.
- 4- هدایت (فجرالسلطنه)، مهدی قلی خان، گزارش ایران (قاجار و مشروطیت)، چاپ محمد علی صوتی، چاپ دوم، تهران: نشر نقره، 1363، ص 152.
- 5- حاج سیاح، دوره خوف و وحشت، چاپ سیف الگلکار، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، 2536، ص 500.
- 6- کاساکوفسکی، کلنل، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی خان حلبی، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1344، ص 114 و 6-95.
- 7- محیط مافی، هاشم، مقدمه نهضت مشروطیت، چاپ مجید تفرشی، جواد جان خدا، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی، 1363، جلد اول، ص 75.
- 8- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، چاپ دوم، کتاب فروشی محمدعلی علمی، 1324، جلد دوم، ص 25.
- 9- روزنامه جبل‌المتین، شماره 2، سال 7، 24 جمادی الثانی 1327ق/ 30 اکتبر 1889، ص 16.
- 10- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1368، ص 22.
- 11- حجه الاسلام کرمانی، احمد، تاریخ انحطاط مجلس (فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران)، چاپ محمود خلیل پور، انتشارات دانشگاه اصفهان، بی‌تا، جلد اول، ص 158-159.

- 12- وزارت امور خارجه، نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ص 27.
- 13- کاظم‌زاده، فیروز، رقابت ایران و روس در ایران 1864-1914 پژوهش درباره امیرالایسم، ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، 1354، ص 294.
- 14- Charlse herdinge
- 15- Salisbury
- 16- وزارت امور خارجه، همان، ص 27.
- 17- کاظم‌زاده، همان، ص 294.
- 18- سپهر، عبدالحسین خان، مرآت الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک‌المورخین، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین، 1368، ص 208.
- 19- کاظم‌زاده، همان، ص 297.
- 20- امین الدوله، همان، ص 274.
- 21- ر.ک: مستوفی، همان، ج دوم، 9-26؛ صدر، محسن، خاطرات صدراالاشراف، چاپ اول، انتشارات وحید، 1364، ص 5-94.
- 22- بهار، مهدی، میراث خوار استعمار، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر، 1357، ص 526.
- 23- وزارت امور خارجه، همان، ص 30.
- 24- معیرالممالک، دوستعلی خان، رجال عصر ناصری، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران، 1361، ص 203.
- 25- کاساکوفسکی، همان، ص 35-234.
- 26- کاساکوفسکی، همان، ص 237.
- 27- روزنامه مجلس، س دوم، ش 36، 24 ذی حجه 1325 / ژانویه 1908م، ص 1.
- 28- افضل‌الملک کرمانی، همان، ص 96-395.
- 29- مستوفی، همان، ج دوم، ص 49.
- 30- مستوفی، همان، ص 49.
- 31- بزرگ امید، ابوالحسن، از ماست که بر ماست، خاطرات و مشاهدات، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب، 1363، ص 292.
- 32- کسروی، همان، چاپ 15، ص 25.
- 33- حاج سیاح، همان، ص 505.
- 34- حجه الاسلام کرمانی، همان، ص 182.
- 35- حاج سیاح، همان، ص 511.
- 36- حیل‌المتین، هفتگی، چاپ کلکته، س 7، ش 14، 14 شوال 1317 / فوریه 1900، ص 168.
- 37- حیل‌المتین، هفتگی، چاپ کلکته، س 9، ش 40، ص 18.
- 38- صفایی، ابراهیم، آئینه تاریخ، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، 1353، ص 22.

- 39- تیموری، ابراهیم، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء، 1332، ص 386.
- 40- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره قاجاریه، تهران: کتابخانه ابن سینا، 1342، ص 246.
- 41- معاصر، حسن، تاریخ استقرار نهضت مشروطیت در ایران بر پایه اسناد، انتشارات ابن سینا، بی تا، ص 4.
- 42- صفایی، ابراهیم، انجمن تاریخ، دومین نشریه، س 1349، ص 3-4.
- 43- حبل المتین، هفتگی، چاپ کلکته، ش 26، س 9، 8 ربیع الثانی 1320ق / 14 جولای 1902، ص 13-12.
- 44- صفایی، ابراهیم، پنجاه نامه تاریخی، چاپ دوم، تهران: بی نا، 1352، ص 42.
- 45- کاظم زاده، همان، ص 427.
- 46- کاظم زاده، همان، ص 427.
- 47- نظام السلطنه، حسین قلی خان ما فی، خاطرات و اسناد، حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی، چاپ معصومه نظام مافی، باب دوم و سوم، تهران: نشر تاریخ ایران، 1361، ص 307.
- 48- صفایی، همان، 1353، ص 147.
- 49- رشیدی، شمس الدین، سوانح عمر، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران، 1362، ص 85.
- 50- نظام السلطنه، همان، ص 402.
- 51- مستوفی، همان، ج دوم، ص 63.
- 52- حاج سیاح، همان، ص 542؛ محیط مافی، همان، ج اول، ص 74.
- 53- حبل المتین، هفتگی، چاپ کلکته، س 7، ش 26، ص 19.
- 54- هدایت، مهدی قلی خان، خاطرات و خطرات، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابفروشی زواره، 1344، ص 140؛ مجد الاسلام کرمانی، همان، ص 236.
- 55- وزارت امور خارجه، همان، ص 109.
- 56- مجد الاسلام کرمانی، همان، ص 236.